«گشت ارشاد» دوباره می‌فروشد؟

فیلم سینمایی «گشت ۳» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید سهیلی که قرار بود پنجم آبان‌ماه همزمان با فیلم «قهرمان» اکران شود، در شروع دوران کاری مدیریت جدید سینما با حاشیه‌هایی روبرو شد که با وجود داشتن پروانه نمایش در زمان مقرر روی پرده نرفت ولی سرانجام از سوی شورای صنفی نمایش اعلام شد که از ۲۶ آبان در سینماهای کشور اکران خواهد شد و بر همین اساس پوستر آن نیز با طراحی عرفان بهکار رونمایی شده است. فیلم سینمایی «گشت ارشاد» که در سال ۹۱ ساخته شد، بیش از یک میلیارد تومان و «گشت ارشاد ۲» در سال ۹۵ نزدیک به ۲۰ میلیارد تومان فروختند. در ماه‌های گذشته که گیشه سینماها به دلیل کرونا از رونق افتاده بود، فیلم کمدی «دینامیت» و بعد از آن «قهرمان» مخاطب نسبتا خوبی را به سینماها کشاندند و فیلم «دینامیت» در روزهای گذشته به فروش حدود ۲۲ میلیارد تومان و «قهرمان» به ۶ میلیارد تومان رسیده است. دست‌اندرکاران فیلم «گشت ۳» پیش‌بینی می‌کنند که این فیلم در همین دوران محدودیت‌های کرونایی مخاطب قابل توجهی را جذب کند. ساعد سهیلی، پولاد کیمیایی، بهنام بانی، میرطاهر مظلومی، نازنین کیوانی، مبینا رحمتی، اسدالله منجزی، امیر محاسبتی، اشکان عقیلی، مهدی دانایی فرد، با معرفی علیرضا خواجه نیا و با هنرمندی امیر جعفری گروه بازیگران «گشت ارشاد ۳» را تشکیل می‌دهند.

بررسی تفاوت های زن و مرد از منظر قران و روایات اهل بیت و علل و فلسفه آن
(قسمت دوم)

دبیر پژوهشی روزنامه سراج:
حجت السلام دکتر مجتبی خندان

در این قسمت از متن به ادامه مباحث قبل که پیرامون همین قضیه هست خواهیم پرداخت .

زن و مرد یکسان نیستند

فرهنگهای مادی که استعمار نیز همراه مبلغ آن بوده و هست بر اثر دفاع های غیر منطقی و خلاف طبیعت ، کار را به جائی رساندند که گاهی زن آرزو کرد مرد باشد و گاهی مرد خویشتن را به شکل زن در آورد ، یا گاهی مردها گفتند خدا را شکر که زن نیستیم و. . . .

این سخن بدان می ماند که در مثال بالا، شکوفه ها و گل ها آرزو کنند که کاش شاخه می بودند و یا شاخه به زیبائی گل حسرت می خورد و آرزو داشت که همچون او ظرافت و زیبا می بود .

و یا به نوعی دیگر ، شاخه غرورآمیز، ستبری و خشونت خود را به رخ گل می کشید و گل به درشتی او می خندید و لطافت خود را به نمایش می گذاشت که هیچ کدام چنین نکرده و نمی کنند ، این انسان مغرور است که هر گاه از مسیر حق خارج شده ، از همه موجودات پست تر می گردد تا آنجا که بر خلاف آفرینش و طبیعت سخن می گوید و با دید محدود خود به هر حقی تجاوز می نماید . زن و مرد از جهات بسیاری مساوی اند، اما مانند هم نیستند و در بسیاری از امور، تفاوتهای فراوانی دارند و این تساوی و تفاوت ، زمینه اختصاص حقوق ویژه ای را برای هر کدام فراهم می کند .

قرآن مجید می فرماید: «ولا تتمنّوا ما فضّل الله به بعضکم علی بعضی للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن واسئلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما» (۵)

(و آنچه را که خدا بواسطه آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری و فضیلت داده است، آرزو مکنید (که) برای مردان نصیب و بهره از چیزی است که خود کوشیده و به دست آورده اند و برای زنان نصیب و بهره از آن است که خود با سعی و کوشش به دست آورده اند.

یعنی اقتضای وجودی هر کدام از زن و مرد ، در نظام حکیمانه آفرینش و خلقت نوعی خاص و دارای ویژگی هائی است و ساختمان وجودی هر کدام عملکرد وظیفه ، مسئولیت و زیبائی خاص را قضا می کند تا هر دو جای خویشتن را در واحد جهان به نحو احسن پر کنند و (نظام احسن) جهان عرضه و ارائه شود .

بدیهی است که زن و مرد از جهات بسیاری مساوی اند ، اما مانند هم نیستند و در بسیاری از امور ، تفاوتهای فراوانی دارند و این تساوی و تفاوت ، زمینه اختصاص حقوق ویژه ای را برای هر کدام فراهم می کند و هر کدام وظیفه ای متناسب با شرایط وجودی و ساختمان جسمی و خصایص روحی خود را دارا خواهند بود.

تفاوت های زیبا و متناسب

از آنجا که بحث پیرامون برخی از تکالیف ، وظایف و مسئولیت ها و حقوق زن و مرد، بستگی به این دارد که چگونگی تساوی و تفاوت های آنها را بدون افراط و تفریط در نگرش و با واقع بینی، در نظر بگیریم ، و ساختمان وجودی آنان را آنطور که هست بشناسیم . به همین جهت به برخی از ظرافت های طبیعی و ریزه کاری های آفرینش اشاره می کنیم .

تفاوتهای جسمی

به همان تناسب و زیبائی تفاوت در برگ گل و شاخه درخت، اندام و پیکره زن و مرد با یکدیگر تفاوت بسیاری دارند :

۱- مردها به طور نسبی، معمولا بلند قدتر و زنان کوتاه ترند.

۲- رشد عضلانی مرد بیشتر از زنان است و طبعا مردها دارای عضلاتی نیرومند و برجسته هستند و در این مورد نیز، زنان از ظرافت ، لطافت و نرمش خاصی برخوردارند .

۳- جسم و اندام مرد ، دارای خشونت ویژه ای است که از سر و رویش مشخص است و آفرینش در رویش مو، در صورت مرد و درشتی عضلات ، به خوبی این حقیقت را ارائه داده است ، در صورتی که زن چنین نیست و همان ظرافت و لطافت مخصوصی به خود را دارا می باشد .

۴- صدای مرد متناسب خود ، کلفت و خشن و از زن نازک و ظریف می باشد .

۵- در آغاز، رشد بدنی زن سریعتر از مرد است و دختران از پسران، زودتر رشد می کنند .

۶- بدن مردان دارای توان و نیروی بیشتر از بدن زنها است .

۷- زنان در برابر بسیاری از بیماریها و مصائب ، از مردان مقاوم ترند .

۸- زن زودتر از مرد به بلوغ می رسد و از جهت تولید مثل نیز زودتر از مرد از کار می افتد .

۹- دختران ، معمولا زودتر از پسران به سخن می آیند .

۱۰- مغز متوسط مرد از مغز متوسط زن بزرگتر است .

۱۱- قدرت تنفس در ریه مردها بیش از ریه زن ها است .

۱۲- سرعت ضربان و تپش قلب در زنها زیادتر از مردها است .

اینها مختصری از تفاوت های جسمی زن و مرد بود ، اکنون بیندیشیم که آیا این تساوی ها و تفاوت ها را می توان دلیل خوبی یا بدی کسی دانست ؟ و اگر این تفاوتها نبود ، زیبائی معنی داشت ؟ بلکه همه این زیبائی ها نشانگر آن است که آفرینش جهان ، با تدبیر ، حکمت ، نظم ، عقل و اراده خلل ناپذیری انجام گرفته و لازمه وجودی و تکامل هر چیز را به آن عطا کرده است و بالاخره همه اینها زیبائی و زیبائی است و زن باید چنین باشد که هست . تفاوتهای روانی تفاوت ها ، رمز نازها و نیازها هستند . این تفاوت های زیبا است که نتایجی زیبا به بار می آورد و عامل جذبه ها ، کشش ها و کوشش ها می گردد . اگر تفاوت های متناسب میان زن و مرد نبود ، تنوع و جذب و انجذاب در زندگی این دو مفهومی نداشت و به یک زندگی سرد و بی روح مبدل می گشت .

ویژگی ها و تفاوت های این این دو موجب گشته است که هر دو مطلوب و طالب و معشوق و عاشق یکدیگر باشند و هر کدام به شیوه مخصوص به خود ، در مقام جذب دیگری و آرامش جوئی از او برآیند . برای هر محققی مسلم است که این جذب و انجذاب تنها از طریق غریزه جنسی و اقناع آن نیست، که بالاتر از آن و با شکوه تر از آن می باشد.

صراحتِ «بدون توقف» به صدا و سیما هم رسید

لاله افتخاری در برنامه تلویزیونی «بدون توقف» گفت: مادامی که نگرش جامعه نسبت به تربیت فرزندان اصلاح نشود قوانین حاکمیتی درباره ازدواج کارساز نخواهد بود.

«لاله افتخاری» درباره طرح موضوع چالش‌های ازدواج جوانان و اهمیت نقش خانواده‌ها در مهارت‌آموزی زندگی در برنامه «بدون توقف» عنوان کرد: در واقع پرداختن و اشاره به موضوع نقش خانواده‌ها در مهارت‌آموزی زندگی بسیار درست و دقیق است، مثلا من در دیدار و نشستی که به تازگی با تعدادی از مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) از استان‌های مختلف داشتم مشاهده کردم که حتی آن دسته از افرادی که با مشکلات معیشتی و اجتماعی هم روبرو هستند و مشکلات بسیاری دارند و با وجود اینکه مادر تجربه مشکلات متفاوت از جمله آسیب‌ها و انحرافات شوهر و مسائل دیگر را از نزدیک لمس کرده، باز هم فرزند خودش را از باب ترحم و دلسوزی آماده مقابله با مشکلات زندگی نمی‌کند و به او درس زندگی نمی‌دهد.

وی ادامه داد: یعنی مادر به رغم همه مشکلات باز هم می‌خواهد به تنهایی مشکلات را حل کند و حاضر نیست که فرزندان را مسؤولیت‌پذیر بار بیاورد، درست است که رأفت مادرانه هم همین را می‌گوید اما رأفت واقعی مادرانه و پدرانه می‌گوید فرزند را طوری تربیت کنید که زیرنظر خودتان برای مقابله با مشکلات تمرین کند برای اینکه بتواند وارد اجتماع شده و ازدواج کند و تشکیل زندگی دهد و او هم بتواند فرزندان و نسل بعد را مسؤولیت‌پذیر تربیت کند. خوب وقتی که حتی مادری که تلخی مشکلات و نبودن پدر را کشیده به فکر این نیست که فرزندش را برای مقابله با مشکلات آماده کند، مشخص است خانواده‌ای که مشکلات مالی و اجتماعی ندارند و یا کم فرزند هستند به طریق اولی به این نکته توجه ندارند که فرزندان باید برای زندگی آبدیده شوند و درس زندگی را باید زیر سایه پدر و مادر فرا بگیرند. این نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی همچنین تصریح کرد: لذا این نکته باعث شده که حتی اگر حاکمیت هم (نمی‌گویم حاکمیت اعم از قوه‌های مجریه، مقتنه و قضائیه و نهادهای مرتبط و فرهنگساز دخیل نیستند) می‌خواهم بگویم حتی اگر حاکمیت هم همه امکانات را فراهم کند تا زمانی که آن نگرش در جامعه نگرش صحیحی نباشد و فرزندان با حقوق خودشان آشنا نباشند باز هم مشکل ازدواج حل نخواهد شد، چون مرتب از حقوق و قوانین آنها گفته شده و مسلم است که وقتی دختر این خانواده فقط حقوق خودش را می‌شناسد و فراتر از آن پسر خانواده دیگر هم فقط حقوق خودش را بشناسد، این دو حقوق در زندگی با یکدیگر درگیر خواهند شد، چون اینجا بحث از تکلیف نیست و خانواده اینگونه فرزندان را تربیت کرده، پس خروجی این است که اگر همه امکانات مالی و قوانین هم مرتب باشد، اما این فرهنگ حاکم بر نگرش تربیت فرزندان اجازه نمی‌دهد که زندگی خوبی داشته باشند و ما در جاهای دیگر هم این را می‌بینیم که فرزندان در گرفتن حقوق عادی خودشان هم منتظرند که پدر و مادر دخالت کنند و همه در خدمت و اطاعت آنها باشند.

افتخاری در ادامه با اشاره به اینکه البته گاهی اوقات خانواده خودش آسیب‌دیده است و یا با وجود مشکلات توانایی این مهارت‌آموزی را ندارد، افزود: اینجا نقش دستگاه‌های حاکمیتی پررنگ‌تر می‌شود، البته الحمدالله جوانان ما دسترسی خوبی به فضاهای مجازی دارند، اما باید مراقبت کرد که آیا این آموزشگاه و یا سایت افراد را درست هدایت می‌کند یا نه؟ باید به خانواده‌ها و جوانان دسترسی‌های درست و منابع درست معرفی شود، اما باز هم دستگاه‌های حاکمیتی خیلی جدی باید وارد کار شوند، حتی در اینکه حقوق و مسؤولیت‌های هرکدام از افراد را به شیوه‌های مختلف به آنها معرفی کنند حتی اگر شده در کتب درسی بیاید یا دوره‌های مهارت آموزی تشکیل شود، نقش صداوسیما به عنوان دانشگاه عمومی بسیار مهم است، حتی در تریبون‌ها و ائمه‌جمعه ما و اساتید مرتبط باید به نحوی به خانواده‌ها فقط توصیه نکنند بلکه از روی قانون و روایات حقوق و تکالیف و نحوه تعامل همسران و افراد خانواده با یکدیگر را بخوانند چراکه ما روایت بسیار غنی و ارزشمندی در این خصوص داریم.

وی همچنین در خصوص نقش و اهمیت رسانه‌ها در زمینه فرهنگسازی در حوزه ازدواج نیز یادآور شد: رسانه‌ها هم در این زمینه بسیار تأثیرگذارند، به این دلیل که در منزل همه حاضرند، منتهی یک بار تأثیر ندارد، برنامه‌های خوب و مفیدی برای مشاوره وجود دارد و تأکید بر این است که این برنامه‌ها تکرار، تبلیغ و اطلاع‌رسانی شود و حتی قابل دنبال کردن در فضای مجازی باشند یا به نحوی در قالب مسابقات استفاده شوند تا همه به هر نحوی در جریان قرار گیرند و بیاموزند که چطور می‌توانند به منابعی که سبک زندگی را به آنها می‌آموزند دسترسی داشته باشند، البته اگر امکان داشته باشد با کمک اساتید حوزه و اساتید بزرگواری که کم هم نداریم باید به ابهامات و مشکلات پاسخ گفته شود و حتی اگر امکان دارد به صورت خصوصی به سؤالات افراد پاسخ داد، چون ممکن است برخی حیا مانع‌شان شود و نتوانند در جمع موضوعات را مطرح کنند و این دسترسی این امکان را به وجود می‌آورد تا از طریق جایگاه مطمئنی پاسخ سؤالات را بگیرند. این استاد دانشگاه و عضو جمعیت زنان انقلاب اسلامی با اشاره به اهمیت برنامه‌هایی همچون بدون توقف در فرهنگسازی موضوعاتی از جمله ازدواج و فرزندآوری عنوان کرد: این برنامه به صورت ریشه‌ای به موضوعات پرداخته و بدون پرده، بدون تعارف و بدون تکلف است و در آن خیلی زیبا و منطقی از نظرات کارشناسان و همچنین جوانان استفاده می‌شود، در حال حاضر در این برنامه بیشتر جوان‌ها حضور دارند که خوب است اما بهتر است پیشکسوتان هم دعوت شوند گاهی مادران و مادربزرگ‌های ما درس‌هایی زندگی به ما می‌دادند که ما بعدها متوجه آن می‌شدیم، در واقع آنها تجربه‌هایی که داشتند با کمال صمیمیت در اختیار نسل بعدی می‌گذاشتند اما امروز متأسفانه به دلیل کمرنگ شدن ارتباطات، پذیرش‌ها هم به دلیل دوری کمتر شده ولی این برنامه‌ها به خانه همه مردم وارد می‌شود و تأثیرگذاری بالایی هم دارد.

افتخاری در پایان اظهار کرد: من در چندین قسمت «بدون توقف» شاهد بودم که هم کارشناسان خوبی دعوت شده و هم جوانان نظرات خودشان را با ادله مطرح می‌کردند، در واقع این گفت‌وگوها این امکان را به جوان و نسل جدید می‌دهد که هم خودباوری داشته باشد، هم یاد بگیرد، هم بیان مسئله کند و هم تحمل شنیدن نظرات مختلف را پیدا کند و پذیرش داشته باشد که اگر نظری قوی و مستدل‌تر از نظر او بود قبول کند، لذا به عوامل برنامه خدا قوتی و دست مریزاد می‌گویم و امیدوارم که این برنامه ادامه داشته باشد و مرتبا نیز رصد شود که اگرخلأهایی وجود دارد انشاءالله برطرف شود که بتواند رسالت خودش را به انجام برساند.

شبکه نمایش خانگی رقیب تلویزیون است!

منتقد سینما و تلویزیون با تاکید بر این‌که شبکه نمایش خانگی رقیب تلویزیون است، گفت: تلویزیون عرصه طنز سازی را برای طنز سازان تنگ نکند! در سال‌های گذشته تلویزیون در کنار سریال‌هایی با ژانر ملودرام، پلیسی، دفاع مقدس و امنیتی و... در مناسبت‌های مختلف در ژانر طنز نیز سریال‌هایی تولید و به پخش می رساند که اتفاقا توسط افرادی نامدار در این عرصه مانند مهران مدیری،رضا عطاران و...ساخته می شد که بازخورد این سریال‌ها نشان از این داشت که مخاطب با میل و رغبت پای رسانه می نشست اما در این چند سال کار های طنز در جذب مخاطب چندان موفق نبودند و به جز چند نمونه این آثار آن چنان که باید با اقبال مواجه نشد. چرایی این موضوع می تواند جنبه های مختلفی داشته باشد که از آن جمله می توان به سخت بودن آثار طنز در تولید، معدود بودن ستاره های طناز در رسانه و البته ممیزی ها و خط قرمز های فیلم نامه و انتخاب سوژه و ... اشاره کرد به همین بهانه با کارشناسان و منتقدان رسانه گپ و گفتی داشتیم که در ذیل از نظر می گذرانید. «حسین سلطان‌محمدی» نویسنده منتقد سینما و تلویزیون است که در زمینه ترجمه (عربی و انگلیسی) و ویرایش متون و کتب سینمایی فعالیت داشته و به نگارش نقد و تحلیل در نشریات تخصصی سینمایی پرداخته است.

او در خصوص این مطلب گفت: انسان جامع است و همه جور سوژه و موضوعی را در همه ژانرها می‌پذیرد و نیاز است که در همه ژانرها سریال سازی شود. نمی‌توان گفت در جامعه فقط موضوعات اجتماعی وجود دارد موضوعات بسیاری در جامعه هست که باید به آن‌ها پرداخته شود به همین علت طنز و خنده هم جزو ضروریات انسان است. ما هر زمان که با مردم برخورد می‌کنیم بیشتر از خشم در آنها شادی و تبسم می‌بینیم و این یک اصل بدیهی است که اگر تلویزیون به جامعه و مردم بخواهد نگاه کند باید همه جور سوژه‌ای را دست مایه تولید و پخش کند اما اینکه طنز ساز ها، آنهایی که در سال‌های اخیر وارد عرصه سریال‌سازی شدند و می‌توانند با شرایط تلویزیون کار کنند، طنزهای خوبی نمی‌سازند یا پتانسیل برنامه‌سازی‌شان خیلی قوی نیست موضوعی است که باید تقویت و بازسازی بشود. این یک اصل انکار نشدنی است که نویسندگان و کارگردانانی در گذشته داشتیم که آثار قوی برایمان به یادگار گذاشتند و هر زمان که تلویزیون باکس نمایشش دچار نقصان می‌شود این سریال ها در چرخه پخش قرار می دهد.

این منتقد سینما و تلویزیون گفت: در دوره های مدیریتی مختلف و نگرش هایی که طی این سال ها در صدا و سیما جاری شده به این ذهنیت رسیده‌اند که این دایره نظارت را سخت‌گیرتر و محدودتر کنند. این نکته‌ای است که باعث شده خیلی از کسانی که به صورت تخصصی طنز پرداز هستند، نه کسانی که آگاهانه می‌خواهند تخریب یا تمسخر کنند بلکه اگر به کسانی که علاقه‌مند هستند و به صورت تخصصی کار طنز می‌کنند در سیستم برنامه سازی تلویزیون توجه بشود و آنها را در دایره ی مخالف جامعه قرار ندهند، حیطه افرادی که می‌توانند به حوزه سریال سازی طنز وارد بشوند را بازتر کردیم و هم قدیمی‌ترها و هم افراد جدید با آرامش فکری به سوژه سازی، نوشتن متن و تهیه و تولید سریال برای پخش امیدوار کردیم و این مشکلی است که متأسفانه در مدیریت‌های گوناگون سال‌های اخیر صدا و سیما دیده شده است که دایره نظارت برای برنامه سازی را تنگ‌تر کرده و برخلاف اصول استاندارد که اصل بر براعت است مگر خلافش ثابت شود می‌توانند مطابق با نگاه ما و دریچه پنجره ما به جامعه نگاه کنند و برنامه بسازند. وی ادامه داد: اگر یک پنجره ثابت جلوی چشم تهیه‌کننده بگذاریم و بگوئیم از نگاه ما نگاه کن آن موقع دیگر به برنامه‌ساز یا فیلمساز و آدم‌های متخصص نیازی نیست هر تکنسینی می‌تواند با استدلال و چارچوب‌های موجود بنویسد و بسازد و در نهایت یک نفر آن را ویرایش کند و فارغ ازین نگرش که آیا این برنامه اثر گذار و یا جذاب است اثر را تولید می‌کند و تماشا کردن برای تماشاگر اجباری است و اصلا به این توجه ندارند که این پتانسیل شبکه‌های نمایش خانگی و پلتفرم‌ها همچنان نکته‌ای است برای رقابت با سازمان صدا و سیما که دریچه‌هایش را محدودتر کرده است و با وجود پلتفرم‌ها تلویزیون نمی‌تواند خیلی مطمئن باشد که مردم مجبور هستند آثار تلویزیونی را حتما ببینند.

قبله عالم
QEBLE-E-ALAM
ملکه گدایان
MALAKE-GEDAYAN
گیسو
آهوی من مارال
مرداد غفارزاده
SIYAVASH
سیاوش
جیران
میدان سرخ
RED SQUARE
آکتور
AACTEUR

سلطان‌محمدی افزود: اگر نظرسنجی منتشر شده تلویزیون را اخیرا ببینید مخاطبان توجهی به سریال‌ها نداشته‌اند و به طور مثال به سوی ورزش رفته‌اند، آن هم برنامه‌هایی که بدون واسطه است مانند مسابقات ورزشی و حتی برنامه‌های ورزشی با واسطه مانند فوتبال برتر هم بیننده ندارد و مخاطب به سمتش نمی‌رود و این‌ها نکاتی است که از خروجی نظر سنجی های خود صدا و سیما قابل برداشت است و سال به سال افرادی در حیطه تائید فیلمنامه، صدور مجوز و ساخت سریال‌های طنز در تلویزیون مسئولیت گرفتند که بیشتر نگاه‌شان سلبی و منفی بوده است تا ایجابی و مثبت.

فرزاد اژدری:
کم کاری ما در سینمای کودک باعث شده راه برای تولیدات خارجی باز بماند

یک فیلمساز کودک گفت: کم کاری ما در سینمای کودک باعث شده راه برای تولیدات خارجی باز بماند چون وقتی آثار داخلی وجود ندارد، برای تامین نیازهای کودک، مدیران مجبورند محصولات خارجی را خرید کرده و به خورد کودکان ما دهند. فرزاد اژدری، کارگردان سینما در گفت‌وگویی درباره ظرفیت‌های سینمای کودک در پرداختن به مضامین دینی اظهار کرد: سینمای کودک یکی از از اصلی‌ترین ژانرها برای پرداختن به موضوعات دینی در سینماست. این گفته را در تولیدات سینمای جهان می‌توان مشاهده کرد. در انیمیشن‌هایی که این روزها سینمایی جهان تولید می‌کنند به صورت پنهان یا موضوعی دینی را تبلیغ می‌کند یا اینکه بر علیه دین حرف می‌زند.

وی افزود: نکته جالب اینجاست بسیاری از تولیداتی که در آنها تبلیغ مسیحی صورت می‌گیرد، دوبله شده و در معرض دید کودکانمان قرار می‌گیرد. برای مثال به انیمیشن‌هایی اشاره می‌کنم که با محوریت بابانوئل تولید می‌شوند. در این کارها به صورت مستتر موضوعات مسیحی تبلیغ می‌شود. این اتفاق در سینمای ایران نیز می‌تواند رخ دهد، اما متاسفانه به دو دلیل این خواسته محقق نمی‌شود. کارگردان فیلم «سلام بر فرشتگان» ادامه داد: دلیل اول این است که فیلمسازی در حوزه کودک، کار بسیار دشواری است. نکته دوم اینکه، پرداخت دینی در فیلم‌های کودک بسیار سخت‌تر است از آثار بزرگسال است، چون موضوعات مورد نظر باید به گونه‌ای بیان شود که مورد خواست مخاطبش نیز باشد البته من در کارهای کودکی که کرده‌ام تلاشم این بوده تا موضوعات دینی به زبان کودکانه بیان شود.

اژدری تاکید کرد: کم کاری ما در سینمای کودک باعث شده راه برای تولیدات خارجی باز بمانند چون وقتی آثار داخلی وجود ندارد، برای تامین نیازهای کودک، مدیران مجبورند محصولات خارجی را خرید کرده و به خورد کودکان ما دهند.

این فیلمساز تاکید کرد: جوانان بسیار با استعدادی در کشورمان وجود دارند که می‌توانند در حوزه کودک کار کنند اما نیاز است از آنها حمایت شود این حمایت نیز الزاماً نباید توسط دولت باشد بلکه بخش‌های خصوصی نیز قادرند در این زمینه مشارکت داشته باشند. برای مثال به هالیوود اشاره می‌کنم که اکثر تولیدات را کمپانی‌های خصوصی تولید می‌کنند ولی در کشور ما کمپانی فیلمسازی به معنای واقعی وجود ندارد تنها بخشی از نهادها و سازمانها هستند که در این رابطه دست به تولید فیلم می‌زنند. در این راستا پیشنهاد می‌کنم بخش دولتی و بخش خصوصی با یکدیگر متحد شده و با یک از محور واحد از سینمای کودک حمایت کنند.

این فیلمساز در انتها تاکید کرد: مشکل دیگری که باعث شده سینمای کودک ما رونق گذشته را داشته باشد این است که فیلمسازان ما سلیقه‌شان را به روز نمی‌کنند و ترجیحشان این است که آثارشان تکیه زده بر نوستالژی خودشان باشد درصورتی‌که کودک امروز سلیقه کودکی فیلمساز را نمی‌پسندند. کودک امروز دیگر عروسک و یکی بود یکی نبود را دوست ندارد کودک امروز با کامپیوتر و بازی‌های رایانه‌ای خو گرفته، پس باید با زبان او با آنها حرف زد.

حسینی: شیوه‌نامه و رویکرد جدید پروانه ساخت عدم همخوانی فیلمنامه و خروجی فیلم را کاهش می‌دهد

سید محمد حسینی عضو شورای پروانه ساخت می‌گوید که شیوه نامه‌ای در شورا طراحی شده است که بزودی ابلاغ می‌شود. بر اساس این شیوه‌نامه و رویکردهای ما، تلاش می‌کنیم که عدم همخوانی و تطابق میان فیلمنامه و فیلم وجود نداشته باشد.اصلی‌ترین فلسفه تشکیل شورای پروانه ساخت بررسی و نظارت بر محتوای فیلمنامه است. اما بارها شاهد آن بودیم که خروجی نهایی با فیلمنامه همخوانی و تطابق نداشته است و در ادامه فعالیت شورای پروانه ساخت مورد تردید قرار گرفته است.

سید محمد حسینی که هم اکنون مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است، به عنوان یکی از اعضای شورای پروانه ساخت در گفت‌وگو یی، درباره تمهیداتی که اعضای شورای پروانه ساخت برای این همخوانی در نظر گرفته‌اند گفت: سرنوشت تصویر سینمایی در کشور ما توسط همین شورای پروانه ساخت است که تعیین می‌شود. شورای پروانه ساخت مسیر سینمایی کشور را مشخص می‌کند و از این نظر اهمیت بسیار زیادی دارد. شورای فعلی هم محصولات و خروجی‌هایش را تا یک سال بعد نشان می‌دهد. اما این عدم تطابق فیلمنامه با فیلم خیلی اوقات پیش آمده است و فیلمنامه‌ها در طول مسیر تغییر می‌کرده‌اند. اما اخیراً دوستان ما در شورا تلاش کرده‌اند تا با طراحی شیوه‌نامه جدیدی، تا حد ممکن همخوانی و تطابق میان فیلمنامه و فیلم را ایجاد کنند. از سویی این تنها سازمان سینمایی نیست که نسبت به این همخوانی تعهد دارد، فیلمساز نیز باید متعهد باشد که فیلمنامه‌ای که برای آن پروانه گرفته با خروجی نهایی تطابق داشته باشد. برای این منظور در روند ثبت فیلمنامه و گرفتن پروانه، طرف مقابل ما نیز این تضمین را می‌دهد که مسیر فیلمنامه در طول تولید و ساخت تغییر نکند.وی در پاسخ به اینکه آیا این شورا فیلمنامه‌های نمایش خانگی را نیز بررسی می‌کند یا خیر، پاسخ داد: شورای پروانه ساخت در حال حاضر تنها ناظر به پروانه‌های سینمایی فعالیت می‌کند و تازمانی که تکلیف پروانه ساخت نمایش خانگی روشن نشده باشد ما در این شورا وظیفه بررسی پروانه‌های این حوزه را نداریم.حسینی در ادامه درباره رویکردهای این شورا بیان کرد: ما سه رویکرد داریم، یکی این که فیلمنامه‌هایی که کارهای خوب و بدون اشکال دارد و با فرهنگ ما در تضاد نیست، بدون مانع ساخته می‌شوند و در صف باقی نمانند. دوم آنکه در مورد فیلمنامه‌هایی که فیلمساز را دچار مشکل می‌کند تصمیم ما این است که به فیلمساز توصیه‌هایی کنیم تا فضای فیلمنامه را ارتقا بدهد و ایرادات آن برطرف کند. در نهایت فیلمنامه‌هایی هم می‌آید که برای زیست بوم فرهنگی ما نیست. نسبت به این فیلمنامه‌ها به صراحت می‌گوییم که امکان ساخت نیست و به تعبیر فیلمسازان کات می‌دهیم. شوخی نداریم، این قاعده‌ای است که در تمام دنیا وجود دارد. فیلمی که ارکان خانواده ما را زیر سؤال ببرد نباید ساخته شود. این تعارف بردار نیست. در این فضا چیز ناشایسته‌ای نمی‌تواند باشد.وی بیان کرد: فیلمنامه‌هایی که در واقع توهین به فرهنگ، تمدن و دین ما باشد، بدون شک جواز نمی‌گیرد. ما باید از فرهنگ و دینمان صیانت کنیم. در این سال‌ها فیلمنامه‌های زیادی خوانده‌م گاهی پیش می‌آید که دوستان ما متأسفانه می‌روند سراغ فیلم‌های درجه دو خارجی و کپی‌کاری می‌کنند. جالب اینجا است که محور کانونی همان فیلم خارجی هم مسأله‌ای است که متعلق به آن نوع فرهنگ خارجی است و ربطی به کشور ما ندارد؛ اما با ساخت مشابه آن، جهت اشتباه داده می‌شود و جوری با فضای داخل تطبیق داده می‌شود و ایرانیزه‌اش می‌کنند که اعوجاج و انحراف بزرگی دارد. ما البته با تمام دوستان فیلمساز با نهایت ادب و احترام در مواردی که به اختلاف برسیم جلسه می‌گذاریم و صحبت می کنیم. اگر اعتراض هم داشتند در این میان مرتفع خواهد شد.

مدیر انجمن سینمای انقلاب اسلامی درباره نقشی که سبک ساخت فیلم می‌تواند در تغییر محتوای فیلم ایجاد کند گفت: البته این درست است که سبک ساخت فیلم در متن فیلمنامه قابل درج نیست اما هیچ چیز خارج از سپهر فیلمنامه وجود ندارد. البته در برخی از سکانس‌ها شاید مواردی باشد که در فیلمنامه روشن نشده باشد و قابل فهم نباشد در نهایت اگر با فیلمنامه تطابق نداشته باشد در شورای پروانه نمایش در صورت ضرورت مطرح خواهد شد. خیلی اوقات شده است که فیلمنامه سلامت بوده اما در سبک و روایت چیزهایی در آمده که افراط داشته و خارج از عرف بوده است؛ این موارد در شورای نمایش تذکر داده شده است، اما این بدیهی است که چیزی که ما در شورای ساخت آن را بررسی می‌کنیم، رویکرد کلی فیلمنامه است که قابل فهم است.

این منتقد سینما درباره شوخی‌های جنسی مکرر فیلم‌های اخیر بیان کرد: باید حدود شوخی رعایت شود. وقاحت مقام رسانه نیست و در مورد فیلمنامه‌هایی که این رویکرد را داشته باشند اگر از حد و حدود خود بگذرد قطعاً متذکر می‌شویم. خود فیلمساز هم البته رعایت می‌کند و باید حدود را نگه دارد.

ماجرای سربازانی که از سومالی در جنگ تحمیلی شرکت کردند

یکی از مزیت‌های کتاب «نگاهبان» به تصویر کشیدن نگاه متفاوت نیروهای ایرانی در نگهداری اسرای عراقی است؛ موضوعی که گاه بر خود اسرا تأثیرات عمیقی گذاشته است.

می‌توان به تعداد همه آدمهایی که در مواجهه با جنگ تحمیلی قرار گرفتند، از جنگ گفت و شنید. حتی آدمهایی که بعد از جنگ به دنیا آمدند و خانواده‌هایشان به نوعی با آن درگیر بودند. حتی آدمهایی که آن سوی اروند ایستاده بودند و روزی به هوای گرفتن خرمشهر که محمره می‌خواندندش، پا به این سوی اروند گذاشتند. ... به تعداد همه آدمهای آن دوره هشت ساله می‌توان از جنگ گفت و شنید. از تلخی‌ها و شیرینی‌هایش. از فراز و فرود و پیروزی‌ها و شکست‌هایش... جنگ زندگی بسیاری از آدمهای هر دو سوی اروند را تغییر داد. چهره دیگری به آن بخشید.

با وجود انتشار کتاب‌های متعدد درباره جنگ تحمیلی در چند دهه گذشته، حرف ناگفته در این حوزه بسیار است. هنوز بسیاری از آدمهایی که هشت سال از خاطرات زندگی‌شان خواسته و ناخواسته با این واقعه گره خورد، خاطراتشان را ننوشته یا روایت نکرده‌اند. کتاب «نگاهبان» که چندی پیش توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده، از جمله این آثار است که بُعد جدیدی از جنگ تحمیلی را پیش چشم مخاطب می‌گشاید.

کتاب که توسط نسرین ساداتیان نوشته شده، محصول گفت‌وگوی نویسنده و اصغر عزیزی، از اعضای کمیسیون نگهداری از اسرای عراقی، با نیروهای نگهدارنده اسرای عراقی در کمپ‌های مختلف است که حالا گرد پیری بر مویشان نشسته. کتاب «نگاهبان» ۵۰ خاطره از نیروهای ایرانی که وظیفه نگهداری از اسرای بعثی را داشتند، ذکر کرده است. اما کتاب در همین مرحله متوقف نمی‌شود. با خواندن هر یک از این خاطرات، بخش ناگفته دیگری از جنگ پیش چشم مخاطب گشوده می‌شود؛ تفاوت نوع نگاه نیروهای ایرانی و عراقی در یک واقعه تاریخی مهم که دو کشور را درگیر کرده است.

انتشار کتاب «نگاهبان» به همراه اسناد و تصاویری که در پایان کتاب ارائه شده است، مزیت دیگری هم دارد. در چند سال اخیر برخی از رسانه‌های غربی تلاش کرده‌اند تا چهره‌ای متفاوت از نیروهای نگهدارنده اسرای عراقی به نمایش بگذارند؛ این در حالی است که اسناد ارائه شده در پایان کتاب روی دیگر ماجرا را نشان می‌دهد.

در کنار همه مسائل، آنچه ممکن است برای مخاطب ایرانی جالب توجه باشد، شرایط نگهداری اسرای عراقی در ایران است. به گفته مرتضی سرهنگی، ایران در طول جنگ تحمیلی از ۱۵ کشور اسیرداری کرده است. اسرایی که با عنوان «مزدور» خوانده می‌شدند و طبق قانون، باید اعدام می‌شدند، اما ایران آنها را به کشورهایشان بازمی‌گرداند. این نوع نگاه متفاوت ایرانی‌ها بعضاً تأثیرات مثبتی بر اسرای مزدور می‌گذاشت. نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری را می‌توانید در خاطرات نیروهای نگهدارنده بخوانید: اسیر اسیران به روایت آزاده محمدرضا بروجی توی تاریکی بیابان‌های تهران و قم در سکوت متوقف می‌شویم. چشم‌چشم را نمی‌بیند. من با چند اسیر عراقی در راه مانده‌ام. همه‌شان خواب‌اند. دمدمای اذان صبح است و هنوز به اردوگاه نرسیده‌ایم. فکر همه چیز را می‌کردیم جز خرابی قطار و دیر رسیدن به اردوگاه پرندک. آرام به شانه‌هایشان می‌زنم تا از خواب بیدارشان کنم. سر حال و قبراق از خواب بیدار می‌شوند. زیارت جمکران حالشان را خوب کرده است. هر هفته سه‌شنبه‌شب‌ها به جمکران می‌روم. این‌بار با اجازه سرهنگ صفوی چند نفر از اسیران احراری(گروهی از اسیران عراقی که داوطلبانه در ایران ماندند و علیه ارتش بعث عراق جنگیدند) را با خودم به جمکران آورده‌ام. به او قول دادم قبل از روشن شدن هوا در اردوگاه هستیم.

یک قاب عکس زیبا در ذهنم نقش بسته و آن هم صحنه ورود این چند اسیر عراقی به صحن مطهر جمکران است. دست‌هایشان روی سینه‌هایشان می‌رود، برای لحظه‌ای می‌ایستند، تک‌به تک روی زمین سجده می‌کنند و خاک را می‌بوسند. به گریه می‌افتند. صدایشان زائران را به دورشان جمع می‌کند. برای لحظه‌ای می‌ترسم مبادا توی این شلوغی اسیرها فرار کنند و من بمانم و سرزنش مسئولان و یک عالم دردسر. با عجله از روی زمین بلندشان می‌کنم،کمک می‌کنم زودتر وارد شوند. به خیالم راه فرار را به رویشان می‌بندم. فرار تنها چیزی است که آنها بهش فکر نمی‌کنند و چنان از خود بیخود هستند دلم نمی‌آید از حرم بیرون بیایم و تنها به قولم به سرهنگ صفوی فکر می‌کنم. ... مزد مزدورها به روایت غلامعلی علیپور کت و شلوار سورمه‌ایم را از توی کمد درمی‌آورم، جلوی آئینه قدی می‌ایستم و با ذکر صلوات آن را به تن می‌کنم. هنوز به گیت فرودگاه نرسیده‌ایم، صدای آرام یکی از مسافران را دم گوشم احساس می‌کنم. صورتم را برمی‌گردانم به طرفش که با او رخ به رخ می‌شوم. از خجالتش چند قدم عقب می‌رود، می‌پرسد: «می‌گم جناب، فضولی نباشه‌ها! این افراد کی هستن؟» همه جواب‌هایی را که می‌توانم به این مرد بدهم توی ذهنم مرور می‌کنم، با لحن جدی جوابش را می‌دهم: «کیا کی هستن؟!» مرد مسافر انگشتش را به طرف اسیران مزدور در فرودگاه می‌گیرد، می‌گوید: «همین‌هایی که لباس‌هایشان مثل هم‌اند». نمی‌دانم برای آن مرد چقدر گذشت، ولی برای من یک سال طول کشید که جوابی برایش پیدا کنم. با ناخن پیشانی‌ام را می‌خارانم و با بی‌تفاوتی می‌گویم: «این ۲۰ نفر رو می‌گویید، این‌ها اعضای تیم فوتبال هستن!» مرد لبانش را کج می‌کند، چینی به پیشانی‌اش می‌اندازد و می‌گوید: «اون‌وقت کدوم تیم؟» در دلم می‌گویم با یک ببخشید فضولی نباشد، کلی هم فضولی می‌کنند. لبخند مصنوعی می‌زنم و در جوابش می‌گویم: «تیم، تیم ارتش!». مرد با چشمان ریزش ۲۰ اسیر سومالی را از نظرش می‌گذراند، گویی که کشف بزرگی کرده است، [illegible]